

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۸

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۳/۰۶

صفحات: ۱۲۳-۱۰۵

چالش‌ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم

محمد صادق چاووشی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

هادی کرامتی معز*

پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین دلایل تقویت جریان‌های تروریستی در جهان، تداوم تأمین منابع مالی مورد نیاز آن‌ها از طرق مختلف است. در واقع تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف تروریستی خود نیازمند تأمین مالی هستند و برای تأمین این نیاز حیاتی خود به راه‌های گوناگونی متوسل می‌شوند. لذا به منظور مبارزه با تروریسم، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین راه‌ها، مبارزه با تأمین مالی آن است. در این راستا اتخاذ تمهیداتی برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اتخاذ هرگونه اقدامی به منظور خشکاندن منابع تأمین مالی تروریسم در اسناد ملی و بین‌المللی ضروری است. عدم الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم، عدم شناسایی مفهوم تروریسم به عنوان یک رفتار مجرمانه مستقل و فقدان سیاست جنائی افتراقی در خصوص آن دلالت بر چالش‌ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد داخلی است؛ در این مقاله نگارندگان با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی چالش‌ها و موانع در اسناد ملی و بین‌المللی برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم خواهند پرداخت.

کلید واژه: تروریسم، تأمین مالی، پولشویی، گروه ویژه مالی FATF.

* نویسنده مسئول، ایمیل: keramatihadi@gmail.com

مقدمه

در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار لایحه‌ای با عنوان مبارزه علیه تروریسم در دولت جمهوری اسلامی ایران تهیه و کارشناسی‌های متعددی در مورد آن صورت گرفت؛ اما مع الاسف به دلیل اینکه به اعتقاد برخی با وجود جرم انگاری جرایم شبه تروریستی همچون محاربه و افساد فی الارض نیازی به جرم انگاری تروریسم نداریم، این لایحه به محاق رفت و چه بسا حتی به دلایل سیاسی تا سال‌ها کسی از آن صحبتی به میان نیاورد؛ اما از آغازین دهه ۹۰ و یا چه بسا قبل از آن موضوع تروریسم و ضرورت جرم انگاری آن به عنوان یک جنایت یا رفتار مجرمانه تعزیری مجدداً بر سر زبان‌ها افتاد و بر اساس شرایط خاص زمانه و متأثر از ضرورت دوران گذار از قطعه‌نامه‌های تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران، بخش مبارزه علیه تأمین مالی تروریسم از کل موضوع مبارزه علیه تروریسم، مورد توجه سیاست جنایی تقنینی قرار گرفت و «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» در مورخ ۹۴/۱۲/۲۲ تصویب و به تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۹۵ ابلاغ گردید. (رضوی فرد، ۱۳۹۶: ۵) بدون شک صرف نظر از اینکه ایراد اساسی مبنی بر عدم جرم انگاری مستقل و کیفرگذاری دقیق جرایم و جنایات تروریستی به حال خود باقی است، مع الوصف، تصویب قانون فوق با حواشی متعددی که در حوزه مبارزه با پولشویی ایجاد می‌نماید، می‌تواند گویایی عزم جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با ریشه‌ها و زمینه‌های افعال تروریستی باشد.

نظام حقوقی ایران در مواجهه با جهانی‌شدن حقوق کیفری، بیشترین همگرایی را در خصوص موضوعات مرتبط با ابعاد مختلف اقتصادی داشته؛ بر همین اساس تأمین مالی تروریسم همانند پولشویی با فشار و پیگیری نهادهای اقتصادی به موضوع حقوق کیفری ایران تبدیل شده است؛ عوامل و نهادهای درگیر با مبارزه با تأمین مالی تروریسم بسیار گسترده و فراگیر می‌باشد که در این میان بانک‌های مرکزی به عنوان مقام پولی کشورها در راستای ایفای وظایف خود به ویژه تنظیم حجم نقدینگی و کنترل نرخ تورم ناگزیر از رویارویی با ابعاد گوناگون اقتصاد پنهان که تأمین مالی تروریسم از مصادیق آن است، می‌باشد.

نگارندگان در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سوالات هستند که چالش‌های مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد ملی و جهانی چیست؟ و با چه موانعی در این مسیر روبرو هستند؟

۱. مفهوم تأمین مالی تروریسم

نوان تأمین مالی تروریسم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ آمریکا مطرح گردید. در بادی امر این عنوان یک تعریف ساده را به ذهن متبادر می‌کند: ارائه وجوه به گروه‌های تروریستی، ولی ذهن پرسشگر از همین تعریف ساده سوالات زیادی را مطرح می‌کند که این تعریف قادر به پاسخگویی آنها نیست منظور از وجوه چیست؟

آیا صرفاً شامل نفوذ می‌شود یا سایر اموال را نیز در بر می‌گیرد؟ آیا این عنوان علاوه بر اموال، خدمات مالی را نیز در بر می‌گیرد؟ (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

تأمین مالی تروریسم جرم بزرگی است که می‌تواند اقتصاد مملکت را تحت تأثیر خود قرار دهد و دارای آثار و تبعات فراوانی در سطح جامعه است (Paulussen, ۲۰۱۲: ۳۶).

آثاری چون تضعیف بخش خصوصی، کاهش اعتماد به بازارهای مالی، کاهش درآمد دولت، تقویت منابع و شبکه مالی مجرمین و غیره. از این میان می‌توان یکی از مهمترین آثار مخرب آن را بر بانک‌ها و موسسات مالی کشور دانست (رییس پور و مغفوری فرسنگی، ۱۳۹۶: ۳۹).

به موجب بند اول ماده ۳ «کنوانسیون» تأمین مالی تروریسم چنین تعریف شده است: «ارائه یا جمع آوری وجوه، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، برخلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا با علم به این که به طور کلی یا جزئی، صرف اجرای اعمال تروریستی گردد».

براساس این تعریف، می‌توان رکن مادی^۱ و روانی^۲ جرم فوق را به شرح زیر تفکیک نمود:

الف. رکن مادی: عنصر مادی جرم عبارت است از تأمین مالی، که با استفاده از واژه‌های «ارائه یا جمع آوری» مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد. بنابراین اگر شخصی به هر وسیله به طور مستقیم یا غیر مستقیم وجوهی را ارائه یا جمع آوری کند تا صرف عملیات تروریستی شود، مرتکب جرم شده است.^۳

^۱ عنصر مادی، مجموعه‌ای از اجزا و شرط‌های مادی و بیرونی است که با وجود آنها جرم در جهان بیرون پدیدار می‌شود و به حسب نوع جرم‌ها، این اجزا و شرط‌ها متفاوت است. (قیاسی، ساریخانی و خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۲، ج ۱۱۱).

^۲ رکن معنوی / روانی جرم، آن فعل و انفعال درونی و روانی مرتکب حین یا پیش از ارتکاب جرم است که نشانگر پیوند و رابطه و ویژه فکری او در مخالفت با مقررات کیفری و قانونگذار می‌باشد. (قیاسی، ساریخانی و خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۲، ج ۲۰۲).

^۳ بنابر ظاهر تعریف مندرج در بند اول ماده ۲ «کنوانسیون»، صرف ارائه یا جمع آوری وجوه جهت ارتکاب اعمال تروریستی، برای تحقق جرم کافی است و نیاز به تحقق نتیجه، یعنی استفاده از وجوه مزبور به منظور ارتکاب عمل تروریستی نیست؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت این جرم مطلق است. در تأیید این استنتاج، بند سوم ماده ۲ «کنوانسیون» مقرر می‌دارد: «برای

ب. رکن معنوی: رکن معنوی جرم مزبور، دو جنبه دارد:

۱. عمد و اراده مرتکب بر وقوع فعل؛

۲. قصد مرتکب بر صرف وجوه جهت انجام اعمال تروریستی یا علم وی به این که وجوه یاد شده صرف چنان اهدافی خواهد شد. در جنبه دوم عنصر معنوی، قصد و علم جایگزین یکدیگرند (طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

از ماده ۲ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم استنتاج می‌شود که: «ارائه یا جمع آوری وجوه، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، بر خلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به طور کلی یا جزئی، صرف اجرای اعمال تروریستی گردد».

از این تعریف استنتاج می‌شود که اولاً؛ تعریف صرفاً ناظر به اعمال تروریستی می‌باشد و اشاره‌ای به ممنوعیت حمایت مالی از تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی نشده است؛ ثانیاً؛ بر اساس این تعریف زمانی شخص؛ مسئولیت کیفری دارد که نسبت به استفاده از این منابع مالی در اعمال تروریستی علم داشته باشد. ثالثاً بنا بر شاهر تعریف مندرج در بند اول ماده ۲ «کنوانسیون»، صرف ارائه یا جمع آوری وجوه جهت ارتکاب اعمال تروریستی، برای تحقق جرم کافی است و نیاز به تحقق نتیجه، یعنی استفاده از وجوه مزبور به منظور ارتکاب عمل تروریستی نیست؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت این جرم مطلق است. در تأیید این استنتاج، بند سوم ماده ۲ «کنوانسیون» مقرر می‌دارد: «برای تحقق جرم مندرج در بند ۱، ضروری نیست که وجوه مزبور جهت انجام جرم مذکور در ردیف‌های الف و ب بند ۱ بالا، در عمل مورد استفاده قرار گیرد».

تحقق جرم مندرج در بند ۱، ضروری نیست که وجوه مزبور جهت انجام جرم مذکور در ردیف‌های الف و ب بند ۱ بالا، در عمل مورد استفاده قرار گیرد». به دیگر سخن، جرم مزبور جرمی مطلق است و برای تحقق جرم، نیازی به حصول نتیجه نیست. بند چهارم همان ماده نیز ادامه می‌دهد که: «شروع به ارتکاب عمل موضوع بند ۱ ماده ۲ نیز جرم محسوب می‌شود». یعنی به محض ارائه یا مطالبه‌ی وجوه به قصد انجام عمل تروریستی یا آگاهی از این که وجوه به منظور ارتکاب اعمال تروریستی مورد مصرف قرار خواهد گرفت، صرف نظر از این که ارائه وجه منجر به ارتکاب عمل تروریستی بشود یا خیر و نیز مطالبه‌ی وجه منجر به اخذ آن بشود یا خیر، جرم یاد شده محقق می‌گردد. این نتیجه‌گیری و استنتاج سخت گیرانه مطابق روح و حتی نص «کنوانسیون» است. علاوه بر این، معاونین جرم، سازمان دهندگان، آمرین و تشکیل دهندگان گروه برای ارتکاب اعمال فوق نیز طبق ردیف‌های (الف تا پ) بند ۵ ماده ۲ «کنوانسیون»، مجرم محسوب می‌شوند.

۲. چالش‌های مقابله با تأمین مالی تروریسم

نیاز تروریست‌ها به منابع مالی موجب گردید تا با توجه به هم پوشانی منافع آنها با برخی از دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌کردند. کمک‌های مالی شوروی سابق، کره شمالی و کوبا به گروه‌های تروریستی مارکسیستی سراسر جهان در همین راستا صورت می‌گرفت. لیبی چنین کمک‌هایی را سخاوت‌مندانه به گروه‌هایی چون بریگادهای سرخ، ارتش جمهوری خواه ایرلند، ببرهای تامیل، ارتش سرخ ژاپن و دیگر گروه‌ها تقدیم می‌کرد. (Adames, ۱۹۸۶: P۳۷) یکی از مهم‌ترین دلایل تقویت جریان‌های تروریستی در جهان، تداوم تأمین مالی مورد نیاز آن‌ها از طرق مختلف است. در واقع تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف تروریستی خود نیازمند تأمین مالی هستند و برای تأمین این نیاز حیاتی خود به راه‌های گوناگونی متوسل می‌شوند. لذا به منظور مبارزه با تروریسم، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین راه‌ها، مبارزه با تأمین مالی آن است.

در این راستا اتخاذ تمهیداتی برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اتخاذ هرگونه اقدامی به منظور خشکاندن منابع تأمین مالی تروریسم ضروری به نظر می‌رسد؛ اما در این مسیر یکسری چالش‌هایی در اسناد ملی و بین‌المللی برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم مواجه خواهیم شد که به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۲-۱. چالش‌های مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد ملی

قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ با تاخیر ۱۴ ساله از حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا تصویب شده است و در مقایسه با سوابق تقنینی سایر کشورها مانند قانون ضد پولشویی و پیکار با تأمین مالی تروریسم استرالیا مصوب ۲۰۰۶ و ... مصوبه تاخیری محسوب شده که بدین سان نوعی ناهمزمانی با اسناد بین‌المللی در مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. به علت تحت فشارهای بین‌المللی و در راستای رفع محدودیت‌های ایجاد شده برای نظام بانکی، در سال ۱۳۸۹ لایحه‌ای از سوی دولت با عنوان لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم به مجلس تقدیم شد، که این لایحه پس از چند نوبت اصلاح سرانجام در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ به تصویب مجلس و در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است؛ واقعیت امر این است که ایران با وجود تصویب قانون مبارزه با پولشویی و اجرای تدابیر نظارتی بر سیستم

بانکی همواره به دلیل عدم جرم انگاری مستقل تأمین مالی تروریسم، در فهرست کشورهای پرخطر برای سرمایه گذاری از سوی نهادهای مالی معرفی شده و بعضاً تحریم شده است؛ از این رو این قانون یک اقدام واکنشی در مقابله تحریم‌ها بوده و با محوریت وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تهیه شده است. بر همین اساس تأمین مالی تروریسم همانند پولشویی با فشار و پیگیری نهادهای اقتصادی به موضوع حقوق کیفری ایران تبدیل شده است؛ شاید بتوان گفت در ایران سیاست جنایی اجرائی در خصوص پولشویی و تأمین مالی تروریسم بسیار پیشروتر از سیاست جنایی تفنینی و قضایی است. این پیشرو بودن در حدی است که قانون مبارزه با پولشویی هیچ صحبتی از تأمین مالی تروریسم نمی‌کند. ولی آیین‌نامه‌ی پولشویی و تمامی دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره در خصوص پولشویی به تأمین مالی تروریسم اشاره می‌کنند.

سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چگونه بدون جرم انگاری مستقل تروریسم و عدم شمول برخی از اقدامات تروریستی در عناوین مجرمانه‌ی سنتی حقوق کیفری ایران، تأمین مالی تروریسم را جرم انگاری می‌کنیم؟ چگونه لایحه تروریسم را که در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ توسط دولت به مجلس تقدیم شد. به بوته فراموشی می‌سپاریم ولی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را تصویب می‌کنیم؟

به نظر می‌رسد مقابله با تأمین مالی تروریسم بخشی از تلاش جامع‌تری است که برای مقابله با تروریسم صورت می‌پذیرد. از این رو نیازمند تصویب قانون مقابله با تروریسم هستیم که تأمین مالی تروریسم نیز به عنوان یکی از شیوه‌های مهم مقابله با تروریسم در آن گنجانده شود. گروه ویژه مالی^۱ در سال ۱۹۸۹ با دو هدف، مبارزه با پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم تشکیل شده است؛ گروه اقدام مالی یک نهاد بین‌الدول و یک نهاد سیاسی و شبه‌حقوقی است. این گروه یک سازمان بین‌المللی رسمی نیست چرا که با تعریف حقوق بین‌الملل سازگاری چندانی ندارد و گروه به تعبیر خود افراد آن فاقد شخصیت حقوقی مستقل و جدا از آن‌ها است. در مجموع گروه اقدام مالی را می‌توان سازمانی با ویژگی‌های خاص برشمرد.

کارکرد نهاد گروه ویژه مالی معطوف به ارائه توصیه‌هایی در خصوص پیشگیری و مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است. کشورها می‌بایستی این توصیه‌ها را با وضع و اجرای قانون انجام دهند، در غیراین صورت گروه اقدام مالی

۱. FATF/Financial Action Task Force

با انتشار بیانیه، چنین کشوری را به عنوان منطقه با ریسک بالا معرفی و مانع از تعامل مالی و سرمایه‌گذاری آن می‌شوند؛ کشورهایی که به استانداردهای مربوط به مبارزه با پول‌شویی و تأمین منابع مالی تروریسم توجهی ندارند، توسط این نهاد در لیست سیاه قرار می‌گیرند و در نتیجه بانک‌ها و موسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی، همکاری خود را با کشورهای در لیست سیاه قطع می‌کنند؛ ایران در راس کشورهای غیر همکار و در لیست سیاه این گروه قرار گرفته است؛ در ژوئن ۲۰۱۶ بیانیه از سوی «FATF» صادر شده و برای هجده ماه ایران از لیست سیاه به حالت تعلیق درآوردند و چنین مطرح کردند که ایران در این مدت اقدامی انجام ندهد؛ به لیست سیاه باز خواهد گشت؛ پیرو نهایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یکی از مهم‌ترین مسائل مطروحه، ارزیابی ریسک معامله با جمهوری اسلامی ایران در تعاملات خارجی بوده است. به رغم یک درجه بهبود وضعیت و تعلیق برخی محدودیت‌ها علیه ایران به مدت یکسال در نشست اخیر «گروه ویژه اقدام مالی» «FATF» (مطابق با آخرین گزارش کمیته بازل منتشر شده در تاریخ ۶ مردادماه سال ۱۳۹۵، جمهوری اسلامی ایران با رتبه ریسک معادل ۶۱/۸ همچنان در جایگاه اول در لیست کشورهای باریسک بالا از منظر ریسک مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم قرار دارد. مبانی قانونی همکاری ایران با گروه اقدام مالی (FATF)، زمینه‌ای را برای خروج نام کشورمان از لیست کشورهای پرخطر و متعاقباً فراهم شدن امکان فعالیت بانک‌ها، موسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی و ایجاد زیرساخت‌های اساسی برای رفع کاستی‌های قانونی و اجرایی برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم نه تنها ضروری است بلکه بدون این اقدامات هزینه معاملات خارجی کشور مانند گذشته نزدیک بسیار سنگین خواهد بود؛ اساساً با گروه اقدام مالی تبادل اطلاعات مالی و بانکی صورت نمی‌گیرد، زیرا سازوکاری برای این منظور پیش‌بینی نشده است.

در رابطه با مصادیق سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی، ایران نیز مانند هر کشور دیگری حق دارد که در قوانین خود، نهادهای ذی‌صلاح برای تعیین مصادیق سازمانها و گروه‌های تروریستی را مشخص کرده و این مصادیق را به اشخاص حقیقی و حقوقی ابلاغ کند و هیچ چیز در توصیه‌های گروه اقدام مالی که ایران را ملزم کند تا از فهرست نظام آمریکا و گروه‌های تروریستی تبعیت کند، وجود ندارد. در همکاری با گروه اقدام مالی هیچ الزامی وجود ندارد که ایران را ملزم به تبعیت از تحریم‌های آمریکا کند و رژیم مبارزه با تحریم‌های آمریکا مستقل از گروه اقدام مالی است. همچنین در متن برجام قید شده است که کلیه اشخاص ایرانی می‌توانند

با یکدیگر روابط مالی و اقتصادی داشته باشند. بنابراین بیان این که همکاری با گروه اقدام مالی منجر به خود تحریمی نخواهد شد.

در تبصره ۲ ماده یک قانون فوق؛ اعمالی که افراد ملت‌ها و ... برای مقابله با اموری از قبیل سلطه؛ اشغال خارج شده است و تعیین مصادیق این ملل؛ افراد و گروه‌ها بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار داده شده است. در حالی که؛ «در سایر کشورها؛ معمولاً عکس این روند وجود دارد تروریستی را مشخص و اعلام نمی‌کنند این رویکرد صحیح تر به نظر می‌رسد؛ زیرا اصل بر تروریست نبودن است و اگر سازمان یا گروهی؛ تروریستی محسوب می‌شود باید نام آن اعلام شود؛ نه اینکه نام گروه‌ها و سازمان‌های غیر تروریستی اعلام شود. در خصوص قانون و آیین نامه مبارزه با پولشویی نیز که قدم اول و مهم مبارزه با تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود؛ صرف نظر از آنکه در برخی موارد مربوط به قانونگذاری و قانونگذاری رعایت نگردیده است؛ قانون گذار در آیین نامه مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸؛ در برخی موارد به جرم انگاری آیین نامه ای اقدام کرده است. (شاکری و فتاحی، ۱۳۹۲ : ۱۴۹) که همسویی کامل با اسناد و الزامات بین المللی ندارد بنابراین دخالت انگیزه‌های ایدئولوژیک و سیاسی و عقیدتی کردن مساله از دیگر چالش‌های اساسی در این حوزه است. تحلیل گفتمان قانونگذار در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم گویای آن است که مهم‌ترین چالش در این زمینه، وجود گروه‌های مقاومت است که از سوی ایران بنا به اصول سیاست خارجی مبنی بر «تنظیم سیاست خارجی بر مبنای حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» (بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی) و «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین» (اصل ۱۵۴) تروریستی قلمداد نمی‌شوند و به نظر می‌رسد علت عدم امضاء و تصویب کنوانسیون بین‌المللی متوقف کردن تأمین مالی تروریسم و تصویب دیر هنگام قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ناشی از وجود همین دیدگاه است (عارفی، ۱۳۹۶: ۵۵).

۲-۲. چالش‌های مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی

تروریسم یک چالش اساسی دنیای امروز است و اعتقاد جامعه جهانی این است که تأمین مالی، بمثابة خون رسانی شاه‌رگ این پدیده بوده و می‌توان با شناسایی و کنترل آن، ضربه اساسی بر جریان تروریستی وارد کرد. از طرف دیگر، تروریسم یک جرم فرامرزی است که آثار و تبعات آن محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور نبوده و همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با

چالش ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم^۵

آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. تصویب «کنوانسیون بین المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ملل متحد» در ۱۹۹۹ که به صورت مشخص موضوع تأمین مالی تروریسم را هدف قرار داد، فرصتی برای پیشگیری و مبارزه ساختاری با این گروه‌هاست. این کنوانسیون با الحاق و اقبال ۱۸۸ عضو (تا آوریل ۲۰۱۷) یکی از جامع ترین معاهدات در مبارزه با تروریسم شناخته می‌شود (زرگر و یوسفی مقدم، ۱۳۹۶: ۳۰۹).

از لحاظ اهمیت؛ اعتبار شکلی و الزام آوری در سطح بین‌المللی؛ چهار سند حقوقی در خصوص مبارزه با تأمین مالی تروریسم وجود دارد که عبارتند از: ۱- قطنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۱ میلادی^۲ - کنوانسیون بین المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۹ میلادی^۳ - توصیه های ۲۰۰۹ گانه گروه اقدام مالی^۴ - توصیه های چهار گانه تحت عنوان مبارزه با تأمین مالی اشاعه سلاح های کشتار جمعی که در توصیه شماره ۷ نسخه سال ۲۰۱۲ میلادی ارائه گردیده است.

در خصوص توصیه های مورد اشاره در بندهای سوم و چهارم باید افزود که پس از اسناد الزام آور جهانی و بین‌المللی در نشست روسای کشورهای گروه هفت در سال ۱۹۸۹ در پاریس؛ تصمیم گرفته شد تا گروه اقدام مالی ایجاد و راه‌های سوء استفاده از موسسات مالی مسدود گردد تا ۳۰ آوریل ۲۰۰۴ میلادی؛ ۳۱ کشور و سازمان بین المللی به عضویت گروه درآمدند. اولین مجموعه اقدام مالی (توصیه های چهار گانه) در سال ۱۹۹۰ در مورد مبارزه با پولشویی صادر و در سال های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ مورد اصلاح قرار گرفت. (طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۲۷۸) از جمله بهترین توصیه‌های گروه اقدام مالی^۱ می‌توان به اجرای اصل شناسایی مشتری^۲؛ تاسیس واحد اطلاعات مالی^۳؛ عدم اجازه تاسیس یا ممنوعیت فعالیت بانک های صوری^۴ و حذف شرط مجرمیت دوگانه^۵ معاضدت قضایی؛ گزارش معاملات مشکوک^۶ و پولشویی^۷ اشاره کرد (۴۰+۹ توصیه در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، ۱۳۸۹: ۸۸ - ۹۸).

^۱ - financial action tack fxe (falf).

^۲ . customer dce dlgnie (cdd).

^۳ . financial Intelligence unit (Flu).

^۴ . shell barks.

^۵ . The absence of dual criminality.

^۶ . suspicious transaction report (str).

^۷ - money laundering .

نکته آخر در خصوص اسناد فرا منطقه ای اینکه در سال ۲۰۱۲ میلادی؛ گروه ویژه پس از خاتمه سومین دور ارزیابی کشورها و با مشارکت نهادهای منطقه‌ای شبه گروه مالی^۱ و سازمان های ناظر^۲ از جمله صندوق بین المللی پول^۳ و سازمان ملل^۴؛ توصیه ها از موضوعات مبارزه با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم؛ به موضوع مبارزه با تامین مالی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی^۵ است.

نسخه مرزبور مشتمل بر چهل توصیه است که در قالب هفت عنوان کلی بیان شده است و توصیه‌های شماره ۴ و ۳ تأمین مالی تروریسم و تامین مالی برای اشاعه سلاح های کشتار جمعی را تشکیل می‌دهد. این مجموعه در زمینه مبارزه با پولشویی به شمار می‌رود؛ در واقع؛ جایگزین توصیه‌های پیشین گروه ویژه موسوم به توصیه های چهل و نه گانه شده است به گونه‌ای که از سوی ۱۸۰ کشور دنیا به صورت رسمی؛ مورد تایید قرار گرفته است و به عنوان منبع و مرجع اصلی؛ برای تدوین قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی توسط همه کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد (استاندارد های بین المللی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۲).

از دیگر اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ملاحظه در خصوص مبارزه با پولشویی (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۵۵) در نتیجه مبارزه با پولشویی؛ مبارزه با تامین مالی تروریسم نیز می‌باشد. به کنوانسیون وین (۱۹۹۸)؛ کنوانسیون استراسبورک (۱۹۹۰)؛ دستور العمل های سه گانه اتحادیه اروپا (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵)؛ کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) و کنوانسیون اسلامی^۶ مبارزه با تروریسم قابل ذکر است.

^۱ - fata – style regional bodies.

^۲ - observer organizations.

^۳ - international monetary fund (imf).

^۴ - united nations.

^۵ - financing of proliferation.

^۶. از بعد شرعی و فقهی؛ در ممنوعیت تامین مالی تروریسم می‌توان به قاعده ممنوعیت اعانت برائیم و عدوان اشاره کرد (محقق داماد؛ ۱۳۹۵: ۱۷۳-۱۷۴) و ظاهر الصلاح کردن اموال نامشروع؛ تقبیح عمل مسرفین و مترفین و ممنوعیت تکاثر و ... همگی در این راستا قابل ارزیابی هستند.

۳. موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم

اگر چه در ضرورت مبارزه با پدیده تروریسم کمتر کسی تردید دارد اما در رابطه با لزوم مبارزه با حمایت مالی از تروریسم شبهاتی مطرح شده و نقدهایی در این زمینه وجود دارد که مانع از تشکیل یک حرکت جهانی در این زمینه شده است. در این مبحث به بیان دیدگاه‌های مخالف و ادله آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد ملی

برای مبارزه با جرم تأمین مالی تروریسم در نظام حقوقی داخلی دارای موانعی هستیم که به آن اشاره خواهیم کرد.

۳-۱-۱. **عدم تعریف واحد از تروریسم؛ منجر به برخورد دوگانه و تبعیض آمیز**
عده‌ای دیگر از نافذان الزام معیارهای ضد تروریستی بر موسسات مالی دنیا؛ بر این باورند که ابهامات موجود در تعریف تروریسم و سازمان‌های تروریستی و غلبه دیدگاه‌های سیاسی و عقیدتی در این مورد موجب گردیده که مبارزه با تأمین مالی تروریسم به عنوان ابزاری سیاسی توسط عده‌ای از کشورها علیه کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد و کشورهایی که مایل به اطاعت از خواسته‌های قدرت‌های سلطه گر نیستند از این رهگذر مورد فشار کشورهای قدرتمند قرار گیرند. به عنوان مثال ایران به عنوان بزرگ‌ترین حامی تروریسم در بسیاری از گزارشات رسمی دنیا معرفی می‌شود که عمده آن به دلیل حمایت ایران از حزب الله لبنان است و لیکن کشورهایی مانند قطر؛ عربستان و کویت که حمایت‌های مالی آنها به جبهه النصره و حتی گروه داعش (قبل از تحولات اخیر این گروه) در گزارش‌های رسمی بیان شده است آسوده از هر گونه تحریم و بازخواست هستند.

واقعیت این است که جامعه بین‌المللی تاکنون موفق به ارائه تعریف اجتماعی از تروریسم در معنای کلی آن نشده است. علت این ناتوانی هم در اختلاف نظر دولت‌ها در شمول یا عدم شمول تعریف تروریسم به فعالیت‌های تروریستی گروه‌های رهایی‌بخش و تروریسم دولتی نهفته است. نتیجه این اختلاف نظر به نوبه خود آن است که تعریفی که هر دولت از تروریسم ارائه می‌دهد در حقیقت بازتابی از واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی آن جامعه در بستر زمان است. حال چون این واقعیت‌ها در زمان‌های مختلف دگرگون و از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت است لذا بدیهی است که تعریف تروریسم دچار اختلاف نظر قابل توجهی باشد (عبدالمهی، ۱۳۸۸: ۸۲).

۳-۱-۲. عدم نیاز به سیاست جنایی افتراقی

بخش زیادی از منتقدان ضمن پذیرش اجمالی ضرورت مبارزه با تامین مالی تروریسم؛ معتقدند که قواعد سنتی موجود در قوانین جزایی کشورها اگر به طور صحیح و دقیق اعمال شوند برای مبارزه با تامین مالی تروریسم؛ کافی خواهند بود و لذا لازم نیست که برای مبارزه با این پدیده قواعد و مقررات مجزایی وضع گردد. به عنوان نمونه بیان می شود که اجرای قواعد راجع به معاونت در ارتکاب جرم فراهم کردن ابزار ارتکاب جرم و قواعد مربوط به مصادره اموال حاصل از جرم و یا اموال و امکانات مورد استفاده در ارتکاب جرم ما را از قانونگذاری جدید بی نیاز می کند؛ مخالفان بیان می کنند که نگاه ویژه به هر جرم، با کنار گذاشتن عناوین مجرمانه کلی نتیجه ای جز تورم کیفری و پیچیده شدن نظام کیفری ندارد.

این ایراد در خصوص پولشویی نیز مطرح شده است؛ ولی به راستی سیاست‌های جنایی افتراقی در خصوص کدام جرایم باید اتخاذ گردد؟ به نظر می رسد تنها عامل تعیین کننده اهمیت جرم می تواند باشد برای نمونه در جرایم امنیتی هر چند اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی کشور رم است و بر اساس قواعد معاونت؛ هر کسی برای این کار تهیه و تدارک اموال نماید مشمول عنوان مجرمانه می شود؛ بر این اساس در جامعه جهانی با عنایت به های اهمیت تروریسم و ویژگی های تروریست ها (که در سیاست های جنایی امنیت محور به عنوان دشمن مطرح میشوند) لزوم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در این خصوص را ضروری می دانند این امر در کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم سازمان ملل و توصیه های گروه اقدام مالی نیز مورد تصریح و تاکید قرار گرفته است.

۳-۲. موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی

برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی و جهانی دارای موانعی هستیم که به آن اشاره خواهیم کرد.

۳-۲-۱. نقش اندک منابع مالی در شکل گیری و ادامه حیات سازمان های

تروریستی

اولین انتقادی که در این زمینه مطرح می شود به نوعی تشکیک در اهمیت و نقش حمایت های مالی در گروه های تروریستی است. منتقدان بیان می کنند عامل مهم در شکل گیری و ادله حیات سازمان های تروریستی مباحث عقیدتی است و ایدئولوژیک است. اصولاً هیچ انسانی به

چالش ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم ◊

خاطر مباحث مالی حاضر نیست وارد جریانی شود که جان او را به مخاطره می‌اندازد این قدرت عقیده هست که انسان‌ها را تا پای فداکاری‌های بزرگی چون مردن در راه آرمان‌های سازمان می‌کشاند.

در پاسخ به این انتقاد باید بیان کنیم وجود منابع مالی برای ادامه حیات سازمان‌های تروریستی و اجرای عملیات و جنگ با مخالفان ضروری و اجتناب ناپذیر است. هیچ گروهی بدون پول نمی‌تواند عملیات‌های تبلیغاتی؛ نظامی و تروریستی اجرا کند؛ به عبارت دیگر این عامل علت شکل‌گیری این گروه‌ها و یا علت عملیات‌های تروریستی نیست؛ بلکه لازمه و جزء ضروری محسوب می‌شود؛ منابع مالی ابزاری است که بدون آن تروریست‌ها نمی‌توانند به اهداف خود برسند. بر این اساس ما در این رویکرد با کنترل ابزار این گروه‌ها را صرفاً تضعیف می‌کنیم و ادعاهایی مبنی بر نابودی آن‌ها نداریم.

۳-۲-۲. اختلال در بازارهای مالی

برخی از پیروان لیبرالیسم اقتصادی بیان می‌کنند که بازارهای پولی و مالی باید با کمترین دخالت دولتی اداره شوند وضع قوانین و استانداردهای پولشویی و تأمین مالی تروریسم سبب رخنه دولت در این بازارها به بهانه نظارت می‌شود و در نهایت مانع از کارکرد طبیعی این بازارها خواهد شد.

در پاسخ بیان می‌شود که این قوانین و استانداردها در واقع به خاطر حفظ کارکرد طبیعی این بازارها وضع شده است؛ این گروه‌ها نظم طبیعی بازار مالی را به هم می‌زنند و سبب ضررها و بعضاً ورشکستگی‌ها در بازار می‌شوند. بحران مالی چند صد میلیون دلاری که به بازار مالی ژاپن به صورت مشکوک وارد و خارج شد و یا بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ نمونه‌ای از این بحران‌ها محسوب می‌شوند.

۳-۲-۳. عدم تناسب بین هزینه و نتایج به دست آمده

پس از حملات ۱۱ سپتامبر و توجه جهانی به مساله مبارزه با شبکه‌های تروریستی؛ وضعیت به گونه‌ای رقم خورده است که بیشتر بانکداران؛ مدیران موسسات مالی؛ حساب‌رسان و بسیاری از بخش‌های دیگر بازار مالی در همه جای دنیا ملزم به رعایت قواعد مبارزه با تأمین مالی تروریسم شدند؛ هزینه‌های مرتبط با قوانین و مقررات ضد تروریستی برای بانک‌ها و موسسات مالی بسیار

سنگین است بر اساس بررسی گراهام دیلون^۱ از موسسه مشاوره مالی KPMG رعایت مقررات ضد تروریستی برای بانک‌های بین‌المللی؛ علاوه بر این هزینه‌ها هزینه‌ای معادل دو تا سه میلیون پوند صرف ذخیره سازی و نگهداری اطلاعات مربوط به مشتریان بانک‌ها و معاملات بانکی (آن هم فقط در شهر لندن) می‌شود بر اساس برآوردهای جامعه بانکداران انگلیس (BBA)؛ بانک‌های انگلیسی در هر سال نزدیک به ۲۵۰ میلیون پوند را صرف رعایت مقررات مربوط به این دو جرم (تامین مالی تروریسم و پولشویی) می‌کنند (علوی لنگرودی، ۱۳۸۵ : ۶۴).

حال اگر حجم عظیم معاملات و عملیات بانکی در جهان را در نظر بگیریم؛ به این نکته پی می‌بریم که این جستجوی پر هزینه شبیه جستجوی سوزن در انبار کاه است. به عنوان مثال در آمریکا موسسات مالی در هر روز؛ نزدیک به ۱۳ میلیون معامله نقدی بالای ۱۰۰۰۰ دلار را گزارش می‌کنند که درصد قابل توجهی از این معاملات در هر گروه موارد مشکوک و مبهم؛ قرار می‌گیرند (Schott, ۲۰۰۶, ۲۸) و می‌بایستی مورد بررسی و کنترل قرار گیرند. با این همه جامعه بانکداران انگلیس (BBA) برآورد کرده است که از بین این گزارش‌ها فقط سه تا چهار درصد موارد؛ به گونه ای با فعالیت‌های تامین مالی تروریسم مربوط می‌شود (علوی لنگرودی، ۱۳۸۵ : ۶۵).

۳-۲-۴. قوانین مبارزه با تامین مالی تروریسم؛ مانعی بر سر راه جهانی شدن

جهانی سازی؛ رشد اقتصادی سریعی را ایجاد کرد و سود رشد اقتصادی بیشتر برای اقتصادهای صنعتی و در حال رشد بود. این پیشرفت‌ها باعث ایجاد جامعه‌ی جهانی نوین شده ولی چالش‌های جدیدی نیز در کنترل فعالیت‌هایی که توسط جهانی سازی به وجود آمده بود با این پدیده ظهور کرد. این انتقال کمیته و کیفیتی نگاه جدیدی به تجارت داد و موجبات رشد سریع سود شد. اطلاعات تجارت و افراد در سراسر مرزها بودند و این زمینه را برای رقابت بین هر چیزی با هر کسی و در هر جایی فراهم کرد. تغییرات تکنیکی از قبیل کاهش هزینه‌های ارتباط و دریافت اطلاعات با حذف موانع موجود تجارت بین المللی را آسان کرد. این روند توسط نفوذ شرکت‌های خارجی؛ ایجاد حساب‌های سود ده و رفع محدودیت‌ها بر جریان سود دهی شکل گرفت. ظهور ابزارهای مالی و قوانین و مقررات جدید؛ ارتباطات را افزایش داد و همین عوامل به نوبه خود بازارهای مالی بین‌المللی را گسترده و عمیق‌تر کردند. انفجار جریان سودی

^۱- GRAHAM DILON

شخصی به علت فعالیت‌های مالی زیاد از دهه ۱۹۹۰ به اقتصاد جهان سرعت بخشید با این وجود آسیب پذیری و خطر سیستماتیک روبه رشد بر پایداری مالی بین‌المللی تأثیر می‌گذاشت. بحران مالی سال ۲۰۰۸ تو جهانی را به خطرات پی در پی ML^۱ و FT^۲ در پایداری سیستم مالی بین‌المللی جلب می‌کند؛ توجهات به قواعد AML^۳ و CFT^۴ برای پایداری سیستم مالی شروع شد تا سوالاتی را در مورد کافی بودن چارچوب‌های قانونی مربوطه و چالش‌های مربوط به مدیریت جهانی سازی و ظواهر منفی اش را بیان کند. توسعه استاندارد های مالی بین‌المللی نرم برگرفته از ساختار مالی بین‌المللی جدید (NIFA) است و طوری طراحی شده است تا عدم پایداری مالی بالقوه در ارتباط با جهانی شدن را بیان کند.

استفاده از عبارت های بهتر است و یا بهتر است توسط حقوق و قوانین ملزم شود در استاندارد های بین‌المللی وضع شده توسط نهاد های بین‌المللی مانند FATF شامل دستورات اجباری است که مقامات کشور ها را ملزم می‌کند که بفهمند ما موسسات مالی آنها و یا موسسات خیریه و غیر انتفاعی (DNFBP) را اجبار می‌کنیم تا با توصیه ها تطابق پیدا کنند.

۳-۲-۵. عدم تناسب این اقدامات با تهدیدات تروریسم

با اجرای سیاست‌های ضدتروریستی کنترل در فرودگاه ها یک امر عادی و روتین شده است رسانه ها مملو از اخبار مربوط به تهدیدات گروه های تروریستی و یا اقدامات آنها هست. بانک‌ها؛ بیمه‌ها؛ بورس؛ اینترنت و ... همه جا قواعد ضد تروریسم به چشم می‌خورد. این معیارهای ضد تروریستی قابل رویت و یا بعضا پشت پرده این را نشان می‌دهد که تروریست‌ها در همه جا حضور دارند و ممکن است در هر لحظه‌ای حمله کنند همین امر بهانه است که به صورت همزمان معیارهای ضد تروریستی در حال افزایش باشد (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

هدف تروریست ها قانع کردن دولت ها و یا سازمان های بین‌المللی برای انجام کاری و یا جلوگیری از انجام کاری با استفاده از ابزار رعب و وحشت عموم یاست. قطعاً تروریست ها چیزی بیشتر از هدف خویش نمی‌خواهند اگر هدف عمده تروریست ها برخاستن رعب و وحشت

^۱ . MONEY LAUNDERING

^۲ . FINANCING OF TERRORISM

^۳ . ANTI - MONEY LAUNDERING

^۴ . CONBATING THE FINANCING OF TERRORISM

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷ ———

عمومی برای مجبور کردن دولت ها برای تغییر ضد تروریستی بعضا حتی بیشتر از خود تروریسم است (اسماعیلی، ۱۳۹۵ : ۱۲۲۱).

تکامل پاسخ های بروکراسی (اداری) به این مشکل بسیار بیشتر از تکامل خود مشکل است و غیر متناسب با تهدیدات است. برای نظارت بر بانک ها، گمرکات، مکان های عمومی مهم سیستم های پیچیده ای ایجاد شده است که ضروری نیست در واقع اگر مفهوم عدم تناسب به افکار عمومی رسوخ کند. معیارها و اندازه گیری ها برای محافظت از جامعه در مقابل تروریسم چه در بخش تامین مالی و یا هر جای دیگر تاثیر خود را از دست خواهد داد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در نظام حقوق ایران نیز علی رغم اینکه تروریسم به طور مستقل جرم انگاری نشده است، اما با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، قدم هایی در راستای مبارزه با تأمین مالی تروریسم برداشته است. تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴) و آیین نامه اجرایی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۶) یکی از مهم ترین قوانین موجود در زمینه مبارزه با تروریسم و تأمین مالی آن است. هم چنین قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پول شویی (۱۳۸۸) نیز یکی از راه های مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی تقنینی ایرات تلقی می شود.

عدم الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم، عدم شناسایی مفهوم تروریسم به عنوان یک رفتار مجرمانه مستقل و فقدان سیاست جنائی افتراقی در خصوص آن دلالت بر عدم انطباق کامل سیاست کیفری ایران در امر مقابله با تروریسم با رویکرد جامعه جهانی و اسناد بین المللی مرتبط با تروریسم دارد و حال آنکه تروریسم پدیده ای فرامرزی است که مقابله با آن بدون همکاری بین المللی میسر نخواهد بود. مقابله با تأمین مالی تروریسم به عنوان بخشی از سیاست جنائی مقابله با تروریسم نیز از این امر مستثنی نمی باشد. علاوه بر آن صرف جرم انگاری تأمین مالی تروریسم بدون ایجاد سایر ساز و کارهای حقوقی مقابله با تروریسم راه حل مناسبی برای مقابله با این پدیده نیست. به علاوه برای طراحی نظام کارآمد مقابله با تروریسم باید علاوه بر استفاده از تدابیر مقابله با پولشویی به تدابیر توصیه شده در اسناد بین المللی مربوط به جرم سازمان یافته نیز توجه نمود. مع الوصف احراز و اعمال راهکارهای مناسب برای مقابله با تأمین مالی تروریسم منوط به آگاهی دقیق از مبانی مقابله با تأمین مالی تروریسم است. راهکارهایی را باید جست که بیشترین همسویی را با رویکردهای بین المللی در این باره داشته باشد. بخشی از این راهکارها را می توان اینگونه احصاء نمود: استرداد و ضبط اموال و دارایی های تروریستی، گزارش معاملات مشکوک مربوط به تروریسم، همکاری هر چه بیشتر با تلاش های اجرایی کشورهای دیگر در زمینه تحقیق و تفحص در منابع مالی تروریسم، ملزم کردن سیستم های جانشین نقل و انتقال پول به رعایت ضوابط و مقررات ضد پولشویی، تشدید اقدامات در مورد تشخیص هویت مشتری در موارد انتقال تلفنی پول در سطوح ملی و بین المللی و النهایه اصلاح قوانین و مقررات برای حصول اطمینان از عدم استفاده از سازمان های خیره و غیر انتفاعی به منظور تأمین مالی تروریسم.

منابع

الف: منابع فارسی

- استاندارد های بین المللی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم (۱۳۹۲)، مترجمین: فردوس زارع قاجاری و علی قائم مقامی (زیر نظر: عبدالمهدی ارجمند نژاد) تهران، نشر یاس.
- اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵)، پیشگیری از تروریسم در سیاست جنایی تقنینی ایران؛ دایره المعارف علوم جنایی (مجموع مقالات تازه های علوم جنایی)، تهران: نشر میزان، کتاب دوم، چاپ دوم.
- افتخاری، اصغر و شبستانی، علی (۱۳۹۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم؛ فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
- شاکری، ابوالحسن و فتحی، مرتضی (۱۳۹۲)، از اصل قانونمندی حقوق کیفری تا آیین نامه ای شدن آن؛ بررسی آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۸، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دوره ۴۳.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، اسلامی، داود (۱۳۹۴)، ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم، مطالعات حقوق کیفری و جرمشناسی، دوره دوم- زمستان، شماره ۴ و ۵.
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۶)، سخن دبیر علمی همایش، چکیده مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- رییس پور، مجتبی و مغفوری فرسنگی، بتول (۱۳۹۶)، تأثیر تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بر تلاقی اصل حفظ داده ها و اصل شفافیت در حقوق بانکی ایران، چکیده مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- زرگر، افشین و یوسفی مقدم، عباس (۱۳۹۶)، پشتیبانی و تأمین مالی تروریسم، چالش جنبش های آزادی بخش با تأکید بر خاورمیانه، چکیده مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

- چالش ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم
- طیبی فرد، امیر حسین (۱۳۸۴)، **مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی**، مجله حقوقی، دفتر نشریه خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲.
- عارفی، مجتبی (۱۳۹۶)، **گفتمان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و آیین نامه اجرایی آن**، چکیده مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸)، **تروریسم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه**، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- علوی لنگرودی، سید حسین (۱۳۸۵)، **مبارزه با تروریسم**، جستجوی سوزن در انبار گاه، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۷۲.
- قیاسی، جلال الدین، ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۱): **حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)**، جلد دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵)، **قواعد فقه (۴) بخش جزایی**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی؛ چاپ دوم.

ب: منابع لاتین

- Adames. James:(۱۹۸۶). **The Financing of terror London: New English Library.**
- Paulussen, Christophe (۲۰۱۲), **Impunity for International Terrorists? Key Legal Questions and Practical Considerations**, ICCT – The Hague Research Paper.
- Schott.Paul Allan,(۲۰۰۶),**Refrence Guid to Anti money Laundering and Combating the Financing of Terrorism The Word Bank**.Second Edition.